فهرست

[مقدمه 2](#_Toc89171845)

[شواهد قول سوم: 2](#_Toc89171846)

[حکم کرامت صبی 3](#_Toc89171847)

[حکم تحقیر مجنون 4](#_Toc89171848)

[حکم تحقیر میت 5](#_Toc89171849)

[جمع‌بندی بحث: 6](#_Toc89171850)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / اکرام و تحقیر

# مقدمه

بحث هفتم این بود که آیا عناوینی که مثل اهانت است شامل غیر بالغ هم می‌شود یا نه. شامل غیر عاقل هم می‌شود یا نه. و احیاناً شامل غیر حی و میت هم می‌شود یا نه. عرض شد این سؤال گرچه در اهانت طرح می‌شود ولی در سایر عناوین چه ایجابی و چه سلبی هم قابل‌بحث است. شبیه آنچه مرحوم شیخ در شرایط عاقدین مطرح کرده ولی در کل عقود است. دو سه مطلب در محل نزاع بیان کردیم و نهایتاً رسیدیم به اینکه در اینجا حداقل سه احتمال را می‌توان مطرح کرد.

1. کسی بگوید مطلقاً صبی و غیر بالغ چه ممیز و چه غیر ممیز از شمول این احکام خارج است. حرمت یا کراهت اهانت سوءظن یا سوء خلق یا بغض و این احکام سلبی شامل صبی چه ممیز چه غیر ممیز نمی‌شود. به دلیل آنکه در ادله می‌گوید عمده خطأ. این احتمال ضعیف است.
2. تفصیل بین ممیز و غیر ممیز. در ممیز اطلاقات شمول دارد و غیر ممیز را در برنمی‌گیرد. به این بیان که ادله عامه در اهانت و عناوین دیگر حکم عقل و ظلم و احبب لنفسک ما تحب لغیرک حتی ادله خاصه که مسلم و مؤمن را ذکر می‌کرد می‌توانست شامل ممیز شود. چون درک و شناخت دارد. وجهی هم برای تخصیص نداریم. چون ادله مربوط به صبی مربوط به خود صبی است نه احکام متعلق به صبی. اما به غیر ممیز صدق نمی‌کند مگر اینکه به پدر و مادر برگردد.
3. اطلاقات شامل صبی به نحو مطلق می‌شود چه ممیز چه غیر ممیز. با این بیان که غیرممیز چون کرامتی دارد دیگران برداشت اهانت می‌کنند و لازم نیست خود شخص برداشت اهانت کند بلکه چون دیگران برداشت اهانت می‌کنند برای صدق اهانت کافی است.

## شواهد قول سوم:

1. اطلاقات محفوظ است چون لغیرک می‌گوید و این غیر است. حداقل چیزی که استفاده می‌شود این است که ذی‌شعور باشد و درک داشته باشد. نه درک ممیزی بلکه درک عام. بسیاری از ادله این را می‌گویند. دیگران هم برداشت تحقیر می‌کنند و برای صدق کافی است.
2. افزون بر این ممکن است بگوییم تمییزی که برای صدق لازم است دایره‌اش اوسع از تمییز فقهی است. تمییز اینجا این است که بچه ولو دوسه‌ساله تحقیر را می‌فهمد همان‌طور که اذیت شدن را می‌فهمد. نسبت به خودش می‌فهمد. این هم یک‌جهت. جهت اول صبی رضیع را می‌گیرد اما این کمی بالاتر می‌آورد.

سؤال این شاهد می‌تواند شاهدی باشد بر اینکه تمییز در هر جا متفاوت است.

جواب: بله. شاهدی است که تمییز در هر بابی متفاوت است و اینکه روایات سن را تعیین نکرده به همین دلیل است. چون هم ضریب هوشی متفاوت است هم موارد متفاوت است. این احتمال را می‌دهم

1. شاهد سوم اینکه معمولاً تحقیر کودک تحقیر پدر و مادر آنهاست.
2. چهارم اینکه شواهدی وجود دارد که کرامتی که برای انسان وجود دارد در صبی یا در رضیع یا حتی در حمل وجود دارد. البته باید شعوری در طرف باشد. لذا می‌تواند غیر ممیز به معنای خاص را هم بگیرد.

اینها شواهدی است که در اینجا وجود دارد. این سه احتمال است. اگر کسی بخواهد تدقیق بکند ممکن است احتمال چهارم را هم بگوید. نه ممیز به معنای آن‌طور نه رضیع. این چهار احتمال است. احتمال سوم هم خیلی محکم است.

## حکم کرامت صبی

این مباحثی است که در باب صبی وجود دارد. نکته دیگری که باید بگوییم این است که احکام سلبی و ایجابی هم متفاوت است. احکام سلبی و ایجابی و الزامی و غیر الزامی تفاوت‌هایی دارد. تا اینجا مربوط به‌حکم الزامی سلبی است. حرمت اهانت یا کراهت آن در درجاتی. اما در طرف ایجابی آنجا احتمال شمول کمی راحت‌تر است. مثلاً حسن اکرام یا استحباب آن شمولش نسبت به صبی راحت‌تر است و گاهی دلیل خاص هم داریم. اکرام صبیان و امثال آن را دلیل خاص داریم و مؤکد می‌شود که حسن اکرام شمول دارد و نسبت به اولاد را در برمی‌گیرد.

سؤال: ملازمه بین وجوب اکرام و حرمت اهانت نیست؟

جواب: بحث‌های نسبت اکرام و اهانت است که گفتیم نه چون نسبت تضاد است نه عدم ملکه.

بحث دیگر در مجنون است. در مجنون هم همین احتمالات با کمی تفاوت مصداقی مطرح می‌شود.

سؤال: با این نگاه که تمییز را چیزی متفاوت بدانیم برگشتش به‌احتمال اول می‌شود. گفتید ملاک صبی ممیز است اگر تمییز را مثل آن بدانیم همان می‌شود.

جواب: نه. معنای تمییز را آنجا به معنای فهم خوب و بد دانستیم

سؤال: معنای تمییز نباید فرق کند

جواب: ممکن است فرق کند.

سؤال: در اینجا می‌توان گفت لازمه عرفی اکرام یا اهانت نسبت به صبی، اکرام و اهانت نسبت به پدر و مادر است

جواب: وجه سوم همین بود. گرچه همیشه شاید نباشد ولی غالباً است.

سؤال: تعبیر المرأ یکرم فی ولده این را تأیید نمی‌کند؟

جواب: آن می‌خواهد تعبداً اکرام به نحو حکومت را درست کند. تعبداً اگر تمام باشد آن را هم درست می‌کند. باید آن را دید. سندی شاید نداشته باشد.

این چند احتمال در صبی است و شمولش نسبت به صبی بعید نیست به‌خصوص نسبت به ممیز و چیزی که بخواهد انصراف درست کند بعید است. چون این مبحث قاعده عامه است پرورنده‌اش باز است. اگر شواهد تکمیلی پیدا کنیم اضافه می‌کنیم.

## حکم تحقیر مجنون

نسبت به مقوله جنون و اینکه مجنون هم در دایره تکالیف قرار می‌گیرد یا نه این هم شبیه قبلی است. منتهی در مجنون توجه کنیم درجات جنون خیلی مؤثر است. هم ادواری و اطباقی بودن مؤثر است. آنجا که کسی ادواری است و در حال جنون توهین می‌شود و بعد حال عادی هم می‌فهمد بعید نیست عرف بگوید شامل این می‌شود. آنجا هم که جنون خفیف است مثل طفل ممیز بعید نیست اطلاقات این را هم بگیرد و ادله‌ای که می‌گوید تکلیف از مجنون برداشته شده ملازمه ندارد که متعلق تکلیف قرار نمی‌گیرد. می‌تواند متعلق تکلیف دیگران باشد. این دو قسم بعید نیست مشمول احکام باشد. اما قسم سوم مجنونی که جنونش آن‌قدر بالاست که حالت جماد دارد یا حالت حیوان دارد ممکن است بگوییم ادله از آن انصراف دارد. آنکه حالت حیوانی دارد و هیچ شاخصی از انسان در او نیست ممکن است از شمول ادله خارج باشد.

سؤال: بنی‌آدم است و کرامت دارد

جواب: ادله از آن انصراف دارد

سؤال: ادله شاملش می‌شود

جواب: بله لغیرک دارد ولی انصراف دارد.

سؤال: عرف می‌گوید اهانت می‌کند

جواب: بله ولی می‌گوییم انصراف دارد مجنونی که چیزی نمی‌فهمد را عرف می‌گوید اهانت به او چون چیزی نمی‌فهمد اشکال ندارد.

عقب‌مانده و معلول ذهنی که هیچ نمی‌فهمد

سؤال: مقاصد الشریعه که بحث می‌کردید بعید نیست دخیل باشد. اکرام و توهین اگر اتفاقی است که برای مخاطب می‌افتد. شاید مقصود شریعت شخص گویند باشد

جواب: در مقاصد شریعت گفتیم جایی که ظنی و استحسانی است فایده ندارد. ممکن است بگوییم اینجا هدف تربیت است و اصلاً نباید اهانت کرد و ممکن است بگوید دو هدف دارد هم تربیت شخص هم حفظ کرامت دیگری. ولی اطمینانی نیست. نیست. اگر عناوین دیگری پیدا شود مثلاً فحش می‌دهد بچه دیگری یاد می‌گیرد این را شامل نمی‌شود. اما فی‌نفسه به نظرم انصراف دارد. در جنون هم پس باید تفصیل قائل شد. هم ادواری و اطباقی هم درجات جنون ممکن است حکم متفاوت شود. در ادواری ممکن است شامل شود و در درجات جنون هم آنجا که نوعی تمییز به معنای عام دارد و تأذی پیدا می‌کند ممکن است مشمول حکم باشد.

سؤال: اگر اهانت صفت حقیقی او باشد و به او بگوییم دیوانه شده شاید توهین نباشد. خانواده‌اش به او بگویند دیوانه است

جواب: به نحو شرط متأخر می‌گوییم اگر بعد جنونش متوجه شود که به او اهانت شده ممکن است اهانت به آن درست نباشد

سؤال: به او می‌گوییم دیوانه بودی ما این حرف را زدیم

جواب: به عقل که برگشت می‌گوید من توهین شدم. دو احتمال است. ممکن است به نحو حیث تعلیلیه است چون بعد می‌فهمد الآن می‌گویند اهانت می‌کند یا اینکه همان موقع که فهمید حکم اهانت می‌آید.

سؤال: در بین اهانت‌ها تفصیل می‌دهم. اهانتی که درواقع اهانت نیست و در همان موقع که دیوانه است ما به او صفت دیوانه را می‌دهیم

جواب: گفتن دیوانه به او ممکن است صدق توهین نکند

سؤال: مثلاً بحث کرده‌اند درباره استادی که به شاگردش چند بار مطلب را می‌گوید ولی او متوجه نمی‌شود

جواب:جنبه‌های علمی و هوشی شاید این‌طور نباشد

## حکم تحقیر میت

در باب غیر حی و میت این سؤال وجود دارد که الآن خود شخص زنده نیست و برحسب قواعد و ضوابط عادی درکی ندارد اما کسی به او توهین و اهانت می‌کند. اینجا بعید نیست بگوییم اطلاقات آن را می‌گیرد. هم شواهدی وجود دارد که اموات مسلمین دارای حرمت‌اند و ادله‌ای که حرمت آنها را در نظر می‌گیرد باعث می‌شود اطلاقات شامل اموات مسلمین هم بشود. فضایی در شرع وجود دارد که نمی‌گذارد از میت انصراف داشته باشد. و الا اگر کسی مادی مسلک است و از منظر دنیوی جمادی در قبر است. اما با توجه به ادله درباره اموات بعید نیست بگوییم احکام زنده‌ها شامل آن هم می‌شود. لذا لازم نیست در اهانت او بفهمد و اگر عرف برداشت اهانت می‌کند شامل آن هم می‌شود.

سؤال: اگر میت دیوانه باشد چه؟ اگر آن هم حرمت باشد پس به‌طریق‌اولی خود دیوانه هم حرمت دارد.

جواب: بحث دیگری است. نمی‌دانم.

بنابراین احتمال اول این است که بگوییم میت به‌حکم جماد است و اهانت تابعی از این است که طرف مهان بفهمد و تشخیص دهد. در صبی و اینها این را تقویت می‌کردیم. اما اگر چیزی نمی‌فهمد اگر اهانت به خانواده‌اش باشد بحث دیگری است و اگرنه اشکالی ندارد. اما احتمال دوم این است که با ارتکازات موجود در شرع و ادله و اخباری که برای میت مسلمان حرمت قائل است ممکن است بگوییم اهانت نسبت به میت مسلمان حرام است.

سؤال: مثلاً اگر کسی نباشد و بالای قبر مرده‌ای برود و توهین کند و فحش دهد را می‌گویید حرام است؟

جواب: کسی ببیند بحث بعدی ماست. اگر ناظری نباشد از آن حیث شاید صدق نکند. آن را بحث نمی‌کنیم. اگر کسی می‌شوند در این صورت بحث می‌کنیم.

سؤال: یعنی ناظر سوم در توهین شرط نیست

جواب: ناظر سوم یا هر ناظری و در میت ممکن است بگوییم اگر کسی نباشد ناظری نیست. از این حیث صدق نمی‌کند. این جهت را بحث نمی‌کنیم. اینجا کسی است و می‌شنود اینجا باید بحث کنیم

سؤال: باید لو خلی و طبعه بحث کنیم نه اینکه کسی می‌شنود.

جواب: نه ناظری باید باشد. شرطی است که بعداً خواهیم گفت.

سؤال: اگر ما باشیم و شخص مقابل توهین کنیم صدق می‌کند اما ما و میت شاید صدق نکند

جواب: اگر آنجا گفتیم ناظر لازم است اینجا اگر شخص سوم نباشد می‌گوییم اشکال ندارد. به همان نتیجه می‌رسیم ولی با تعبیر فنی که عرض می‌کنیم.

پس صرف میت بودن شاید دلیل نشود که اهانت اصلاً مصداق ندارد. می‌تواند مصداق باشد با فضایی که در شرع است. البته با شرطی که گفتید باید ناظری باشد.

سؤال: ولو ناظر خود شخص باشد

جواب: بله ولو خود شخص.

## جمع‌بندی بحث:

جمع‌بندی اینکه نسبت به صبی و مجنون باید بگوییم اگر نوعی از تأذی صدق کند اهانت صدق می‌کند ولو تأذی مادون ممیز. اما در صبی رضیع یا در میت ممکن است بگوییم به خاطر کرامتی که برای موجود انسانی است حرمت است مشروط به اینکه ناظری باشد. در منطق حیات مادی ناظری باشد. این جمع‌بندی عرایض است.